

## چکیده:

تاریخ‌شفاهی شاخه‌ای جدید از پژوهش‌های تاریخی است که منبع آن مردم‌اند و مرجع آن اقوال ایشان. در شاخه تاریخ‌معماری ایران نیز بسیاری کسانی که با معماری ایران آشنایند و می‌توانند منبعی ارزشمند برای تاریخ‌معماری باشند. اما منابع تاریخ‌شفاهی عمری به درازای عمر یک انسان دارند؛ انسان‌ها به‌زودی از میان ما خواهند رفت و رفتن آنها برابر است با از دست دادن گنجینه‌ای از شناخت در این باره. هرچند ضرورت پرداختن به این منابع میرا در مطالعات تاریخ‌معماری و به‌ویژه تاریخ‌معماری ایران به‌ظاهر روشن است، تاکنون هیچ تأمل جدی در این باره نشده است.

این مقاله جستجویی است دربارهٔ فواید توجه به منابع شفاهی در تاریخ‌معماری و دستاوردهای احتمالی تاریخ‌شفاهی معماری ایران. بحث در این‌باره مستلزم شناخت فایدهٔ تاریخ‌شفاهی است. اصحاب تاریخ‌شفاهی بر وجوه مختلف تاریخ‌شفاهی تأکید و به دو رویکرد اصلی در تاریخ‌شفاهی تمایل دارند. اختلاف اصلی این دو رویکرد بر سر فایده‌ای است که بر تاریخ‌شفاهی مترتب می‌دانند. از آن دو، یکی در پی یافتن اطلاعات تاریخی از وقایع گذشته است و تولید شواهد تاریخی جدید و دیگری در جستجوی تفاسیر تاریخی است و پدیدآوردن روایت‌های تاریخی نو. اختیار هر یک از این دو رویکرد در تاریخ‌معماری ایران نیز دستاوردهای متفاوتی در پی خواهد داشت.

در این مقاله، نخست از تعریف اجماعی تاریخ‌شفاهی می‌گوییم و در پی آن به تعریفی برای تاریخ‌شفاهی معماری ایران می‌رسیم. سپس از امکان پرداختن تاریخ‌شفاهی به وقایع گوناگون تاریخ‌معماری می‌گوییم. پس از آن به اختلافات حوزهٔ تاریخ‌شفاهی و دو رویکرد برآمده از آن می‌پردازیم و براساس آن فواید گوناگون تاریخ‌شفاهی را در حوزهٔ تاریخ‌معماری ایران می‌جوییم. در این راه برای نمایاندن موقعیت کنونی حوزهٔ تاریخ‌شفاهی معماری در ایران و جهان، به اختصار برخی از پژوهش‌های انجام یافته در این شاخه‌ها را نیز برمی‌شماریم.

## کلیدواژه‌ها:

تاریخ‌شفاهی معماری ایران؛ تاریخ‌معماری؛ فایدهٔ تاریخ‌شفاهی؛ شاهد؛ تفسیر.

# تأملی در امکان و فایده تاریخ شفاهی در تاریخ معماری ایران

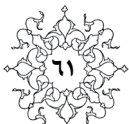
سیده میترا هاشمی<sup>۱</sup>

## مقدمه

پژوهش حاضر جستجویی است در اصول نظری تاریخ شفاهی معماری ایران و نخستین کوششی است در هموارکردن راه پژوهشگرانی که می‌خواهند به دانش بی‌شمار آشنایان به معماری ایران دست یابند و آن را برای آیندگان نگه دارند. این مقاله بخشی از پایان‌نامه دانشگاهی نگارنده با عنوان «تاریخ شفاهی معماری ایران: درآمدی بر مباحث نظری و عملی» است که با راهنمایی دکتر مهرداد قیومی بیدهندی به سرانجام رسید.

پژوهش در حوزه تاریخ معماری ایران، همچون هر پژوهش تاریخی دیگر، مبتنی بر شواهد تاریخی است. شواهد تاریخی باقیمانده از معماری گذشته ایران محدود اما متنوع است. در مطالعه تاریخ معماری، اغلب به شواهد مادی اکتفا کرده‌اند. در سال‌های اخیر استفاده از شواهد کتبی نیز در تاریخ معماری رونق یافته است. اما شواهد شفاهی همچنان مهجورترین بخش از مطالعه تاریخ معماری در ایران و جهان است و مورخان معماری کمتر به این شواهد و حوزه تخصصی مرتبط با آن، یعنی تاریخ شفاهی، اقبال داشته‌اند. تاریخ شفاهی یکی از شاخه‌های جدید تاریخی است که در سده بیستم پدید آمده است. پژوهش در عرصه تاریخ شفاهی معماری و به‌ویژه تاریخ شفاهی معماری ایران نیز بسیار متأخر و کم‌سابقه است. معدود آثار تاریخ معماری که بر پایه شواهد شفاهی پدید آمده است هم اغلب بی‌توجه به آموزه‌های تاریخ شفاهی بوده و اعتبار و انسجام چندانی ندارد. حال آنکه تاریخ شفاهی می‌تواند راه‌های جدیدی بر تاریخ معماری بگشاید و فهم و شناخت ما را از معماری گذشته ایران ژرف‌تر کند. تأمل در فواید و دستاوردهای تاریخ شفاهی در میان حوزه گسترده‌تر تاریخ می‌تواند به شناخت امکانات و فواید احتمالی آن در تاریخ معماری بیانجامد. امروز توافقی نسبی بر سر چیستی تاریخ شفاهی وجود دارد اما مهم‌ترین اختلاف در حوزه تاریخ شفاهی

۱. پژوهشگر تاریخ معماری، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران  
hashemii.mitra@gmail.com



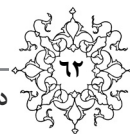
بر سر فایده و دستاورد آن است. از این اختلاف، دو رویکرد اصلی تاریخ شفاهی پدید آمده است. در این مقاله، در پی بررسی این اختلافات و رویکردهای نظری برآمده از آن در تاریخ شفاهی هستیم و دستاوردهای تاریخ شفاهی در تاریخ معماری ایران را بر پایه آن می‌جوئیم. به این منظور، نخست از تعریف اجماعی تاریخ شفاهی معماری ایران، که بر پایه اشتراکات کار تاریخ شفاهی است می‌گوییم. سپس به امکان مطالعه معماری گذشته ایران از طریق تاریخ شفاهی می‌پردازیم. پس از آن، دو رویکرد اصلی در میان اصحاب تاریخ شفاهی را معرفی می‌کنیم و فواید هر یک را در تاریخ معماری و به‌ویژه تاریخ معماری ایران بررسی می‌کنیم. برای روشن‌تر شدن بحث، سابقه هر یک از این رویکردها را نیز در مطالعه تاریخ معماری به اجمال معرفی می‌کنیم.

### تاریخ شفاهی معماری

تاریخ معماری برخلاف آنچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد، تعریفی روشن و اجماعی ندارد. گاه هرگونه مطالعه آثار معماری گذشته یا به تعبیر دیگر، مطالعه و بررسی بناهای تاریخی را «تاریخ معماری» می‌نامند. حال آنکه آثار معماری می‌تواند موضوع مطالعه حوزه‌های گوناگون علوم انسانی و علوم طبیعی باشد و همه این مطالعات را نمی‌توان ذیل عنوان تاریخ معماری جمع کرد. یکی از مهم‌ترین عواملی که تمییز تاریخ معماری را از غیر آن دشوار ساخته است دلالت الفاظ «تاریخ» و «معماری» بر معانی گوناگون است. این اشتراک لفظ از مهم‌ترین موانع فهم چستی تاریخ معماری بوده است. امروز تاریخ را در دو معنی «وقایع گذشته» و «پژوهش در وقایع گذشته» به کار می‌بریم.<sup>۱</sup> این دو معنی را به ترتیب، «تاریخ درجه اول» و «تاریخ درجه دوم» و به تعبیر دیگر «تاریخ چنان رویداد» و «تاریخ چنان گزارش» نیز نامیده‌اند.<sup>۲</sup> این اشتراک لفظ در زبان‌های لاتینی نیز معمول است. پیشینیان ما از لفظ «تاریخ» اغلب معنی دوم را اراده می‌کردند و تاریخ را مطالعه و تتبع در وقایع گذشته می‌دانستند (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، ۱/۱؛ حاجی‌خلیفه، ۱۴۰۲، ۱/۱۲۱۲). در این مقاله نیز مراد از «تاریخ» علمی است که به مطالعه و پژوهش در وقایع گذشته می‌پردازد و از به کار بردن لفظ «تاریخ» در معنی گذشته حذر کرده‌ایم.

«معماری» نیز امروز معانی متفاوتی یافته است. لفظ معماری مرکب از «معمار»، یعنی کسی که در کار ساختن و آباد کردن است، و «ی» نسبت است. پس معماری به معنی علم و عمل منسوب به معمار است.<sup>۳</sup> اما امروز لفظ «معماری» را تلویحاً به جای «اثر معماری» نیز به کار می‌برند و بین این دو تفاوتی قائل نمی‌شوند. این اشتراک لفظ یکی از مهم‌ترین علل کژفهمی تاریخ معماری است چنان‌که هرگونه بررسی آثار معماری گذشته را، خواه بررسی وجوه زیبایی‌شناسانه آن باشد و خواه بررسی از منظر علوم طبیعی، تاریخ معماری نامیده‌اند.<sup>۴</sup> در این مقاله، بین «معماری» و «اثر معماری» تمایز قائل شده‌ایم و «معماری» را فقط در معنی علم و عمل منسوب به معمار به کار برده‌ایم.

۱. کار، ادوارد هلت. تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، تهران: خوارزمی، ۱۳۸۶، ص ۴۹.
۲. استنفورد، مایکل. درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۲۲.
۳. قیومی بیدهندی، مهرداد. سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آن‌ها، در گلستان هنر، ش ۱۵، ص ۵ و ۶.
۴. مطالعه آثار معماری گذشته می‌تواند موضوع پژوهش تاریخ معماری باشد اما از یک سو، هر گونه مطالعه بناهای تاریخی را نمی‌توان تاریخ معماری دانست و از سوی دیگر، تاریخ معماری منحصر به مطالعه بناهای تاریخی نیست.



همچنین تاریخ معماری را شاخه‌ای از پژوهش‌های تاریخی و مبتنی بر اصول و آموزه‌های آن دانسته‌ایم که از جهت پرداختن به موضوعی خاص، از دیگر پژوهش‌های تاریخی متمایز است اما این تمایز آن را از اصول و بایدها و نبایدهای علم تاریخ بی‌نیاز نمی‌کند. پژوهش تاریخی در حالت کلی، گونه‌ای از پژوهش است که با پرسش دربارهٔ وقایع گذشته آغاز می‌شود، با تفسیر شواهد تاریخی پیش می‌رود، و مقصود آن از جنس معرفت است.<sup>۱</sup> تاریخ شفاهی و تاریخ معماری ایران را نیز می‌توان از اقسام پژوهش‌های تاریخی دانست و ساختاری را، که برای پژوهش تاریخی برشمردیم، مبنایی مشترک برای تعریف آن‌ها گرفت.

بر این اساس، تاریخ معماری گونه‌ای پژوهش تاریخی است که موضوع آن وقایع گذشتهٔ معماری، یعنی واقعهٔ ساختن و آبادانی مکان‌ها در گذشته است. مرجع آن شواهد کتبی، مادی و شفاهی باقیمانده از آن وقایع است. مقصود آن نیز همچون هر پژوهش تاریخی کسب معرفت است. یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش روی تاریخ معماری محدودیت شواهد باقیمانده از وقایع معماری گذشته است. فهم نادرست از تاریخ معماری و تنزل آن به صرف بررسی آثار معماری موجب شده است که در اغلب پژوهش‌های تاریخ معماری به آثار مادی باقیمانده بسنده کنند و خود را از رجوع به دیگر شواهد تاریخی بی‌نیاز بدانند.

مراد از آثار مادی باقیمانده بناها و محوطه‌های تاریخی است. اثر معماری محصول واقعهٔ معماری است و به همین مناسبت، مهم‌ترین و نخستین مرجع برای شناخت آن. اما بسیاری از آثار معماری به روزگاران، دچار تغییرات کالبدی جدی شده‌اند و تأمل در کالبد آثار، بدون در نظر گرفتن این تغییرات می‌تواند گمراه‌کننده باشد. افزون بر این، حیات جاری در این بناها نیز با آنچه در اصل بوده، متفاوت است. از این رو، صاحب‌نظران حوزهٔ تاریخ معماری برآنند که این آثار به‌تنهایی گویای تمام وجوه واقعهٔ معماری نیست و برای شناخت وقایع گذشتهٔ معماری باید دیگر شواهد باقیمانده را نیز جست.<sup>۲</sup> بخشی دیگر از آثار و شواهد باقیمانده از وقایع معماری گذشته شواهد کتبی است که مشتمل بر متون، اسناد، تصاویر و کتیبه‌هاست. هیچ متن تاریخی که مستقیماً دربارهٔ معماری ایران باشد به دست نیامده است اما در انواع گوناگون متون تاریخی، می‌توان اطلاعاتی دربارهٔ معماری گذشته یافت.<sup>۳</sup> سومین گونه از شواهد باقیمانده از معماری گذشته شواهد شفاهی است که تا کنون کمتر مورد توجه بوده است.<sup>۴</sup> کاستی‌ها و کمبود شواهد مادی و کتبی تاریخ معماری ایران لزوم استفاده از شواهد شفاهی را دو چندان می‌کند. بهره‌بردن از شواهد شفاهی مستلزم پرداختن به مبنای تاریخ شفاهی و تأمل در پیوند آن با تاریخ معماری است.

تاریخ شفاهی گونه‌ای از پژوهش‌های تاریخی است که با پرسش از وقایع گذشته آغاز می‌شود، اما آن دست از وقایع گذشته که هنوز شاهدان و عاملان آن زنده‌اند.<sup>۵</sup> شواهد تاریخ شفاهی، که

۱. اجزای اصلی هر پژوهش عبارت است از موضوع، مرجع، و مقصد و این ساختار جامع همهٔ پژوهش‌هاست. (نک: هایدر، ۱۳۸۶، ۶۶-۶۸). ساختار مذکور با تعاریف کلی و اجماعی تاریخ نیز همخوان است.

(نک: کالینگوود، ۱۳۸۵، ۱۶-۱۸).

2. Leach, Andrew, (2010), *What is Architectural History?*. Cambridge: Polity Press. P: 76,77; Ballantyne, Andrew, (2006), "Architecture as Evidence", in Dana Arnold and Elvan Altan Ergut and Belgin Turan Ozkaya (eds.). *Rethinking Architectural Historiography*. New York: Routledge, pp. 36-49, P:36.

۳. قیومی، همان، ص ۸ و ۹.

۴. مثلاً کتاب *Architectural Rethinking* History که یکی از مهم‌ترین منابع موجود دربارهٔ مبنای حوزهٔ تاریخ معماری است، با آنکه مدعی گسترش حدود تاریخ معماری از حیث موضوعات، نظرگاه‌ها و منابع بوده است منابع تاریخ معماری را آثار مادی و کتبی دانسته‌اند و هیچ توجهی به منابع شفاهی نکرده‌اند (Arnold, ۲۰۰۶). همچنین نویسندهٔ کتاب *Architectural is What History* که از جامع‌ترین و جدیدترین پژوهش‌ها دربارهٔ تاریخ معماری است، اگرچه متوجه اهمیت منابع شفاهی بوده شناخت درستی از آن نداشته است. چنان‌که در فهرستی که از منابع تاریخ معماری برشمرده در کنار قراردادهای، مکاتبات، نقشه‌ها، صورت‌حساب‌ها، و مانند آن از «تاریخ شفاهی» نیز نام برده است. غافل از اینکه تاریخ شفاهی از جنس پژوهش و خود مبتنی بر «شواهد شفاهی» است (Leach, ۲۰۱۰، ۸۱).

5. Ritchie, Donald A, (2003). *Doing Oral History: A Practical Guide*. Oxford University Press, New York, P:19.



پژوهش تاریخ شفاهی با تفسیر آن پیش می‌رود، اقوال شفاهی شاهدان و عاملان آن وقایع است<sup>۱</sup> و مقصود پژوهش تاریخ شفاهی نیز همچون هر پژوهش تاریخی از جنس معرفت است.

تاریخ شفاهی معماری و به تبع آن، تاریخ شفاهی معماری ایران نیز شاخه‌ای از پژوهش‌های تاریخی است که تاکنون کمتر در ساختار و چیستی آن اندیشیده‌اند. بر مبنای ساختار پژوهش‌های تاریخی، می‌توان به تعریفی برای این شاخه نیز دست یافت. بر این اساس، تاریخ شفاهی معماری ایران پژوهش درباره آن بخش از وقایع معماری گذشته ایران است که شاهدان و عاملان آن هنوز زنده‌اند، یعنی وقایع ساخته و آباد شدن مکان‌ها در دوران معاصر. تاریخ شفاهی معماری ایران، مانند هر پژوهش تاریخی، با تفسیر شواهد پیش می‌رود. شواهد تاریخ شفاهی معماری ایران اقوال شفاهی شاهدان و عاملان وقایع معماری گذشته است و مقصد آن نیز در حالت کلی، کسب معرفت است. تعریفی که برای تاریخ شفاهی و تاریخ شفاهی معماری آوردیم، بر پایه اشتراکات کار تاریخ شفاهی است؛ اما اصحاب تاریخ شفاهی بر وجه مختلف تاریخ شفاهی تأکید دارند و به همین سبب، شاخه‌های مختلفی در میان ایشان پدید آمده است. اختلاف اصلی ایشان بر سر فایده‌ای است که در تاریخ شفاهی در پی آن می‌باشند و به تبع آن دستاوردی که از آن چشم دارند. چنان که گفتیم مقصود تاریخ به صورت عام و تاریخ شفاهی به صورت خاص کسب معرفت است که برخی از آن به «خودشناسی» و برخی به «عبرت» تعبیر کرده‌اند.<sup>۲</sup> اما مورخان شفاهی بر سر اینکه فایده تاریخ شفاهی در میان پژوهش‌های تاریخی چیست، اختلاف کرده‌اند؛ تا آنجا که برخی از ایشان وجه تمییز تاریخ شفاهی را از تاریخ در فایده آن جستجو می‌کنند.<sup>۳</sup>

## امکانات تاریخ شفاهی در تاریخ معماری

تاریخ شفاهی فقط با بخشی از وقایع گذشته سروکار دارد که شاهدان آن زنده‌اند و خاطره‌ای از آن دارند. بر این اساس، در نگاه نخست، تاریخ شفاهی معماری نیز همچون دیگر شاخه‌های تاریخ شفاهی معطوف به وقایع دوره معاصر است. اما چنان که در ادامه خواهیم دید، دستاوردهای تاریخ شفاهی در تاریخ معماری ایران محدود به وقایع معاصر معماری نیست و تاریخ شفاهی امکان مطالعه و شناخت وقایع قدیم معماری را نیز فراهم می‌کند.

### ۱. وقایع معاصر معماری

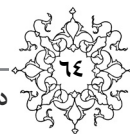
وقایع معاصر معماری، که موضوع اصلی تاریخ شفاهی معماری است، واقعه ساختن و آباد شدن مکان‌ها در دوره معاصر است. دوره معاصر را می‌توان محدوده‌ای حدوداً نود ساله یا کمی بیشتر پنداشت که شاهدان وقایع آن هنوز زنده‌اند. پس می‌توان با رجوع به اقوال ایشان، از آن وقایع نشان گرفت. وقایع معاصر معماری ایران خود بر دو گونه است:

۱. تاریخ شفاهی فقط با اقوال شاهدان و عاملان یا به دیگر سخن، معاصران واقعه سر و کار دارد و افسانه‌ها و امثال و مانند آن، که به صورت شفاهی از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است، در حوزه سنت شفاهی (tradition Oral) است نه تاریخ شفاهی. (نک: Vansina, ۱۹۸۵, ۱۳, ۱۲).

۲. کالینگوود، رابین جرج. مفهوم کلی تاریخ. ترجمه علی‌اکبر مهدیان. تهران:

اختران، ۱۳۸۵، صص ۳۴ و ۳۹.

۳. آنچه در آغاز، تاریخ شفاهی را از تاریخ متمایز ساخت، مرجع آن بود؛ یعنی شواهد شفاهی که تاریخ شفاهی با آن سروکار داشت و شیوه گردآوری آن. استفاده از این شواهد و شیوه گردآوری آن، پیش از آن در پژوهش‌های تاریخی بی‌سابقه بود. (Evans, ۱۹۷۲, ۵۶). اما بسیاری از تاریخ شفاهی پژوهان کنونی بر آنند که این تفاوت فایده و دستاورد تاریخ شفاهی را نیز از دیگر پژوهش‌های تاریخی متفاوت کرده است؛ تفاوتی که مورخان شفاهی نخستین از آن غافل بودند. به همین سبب، ایشان در تمایز تاریخ شفاهی و تاریخ بر فایده تاریخ شفاهی تأکید می‌کنند. در ادامه در این باره بیشتر خواهیم گفت.



نخست، وقایع معماری مدرن ایران یا وقایعی که عاملان آن معماران مدرن ایران می‌باشند. بسیاری از پیشگامان معماری مدرن ایران هنوز زنده‌اند و این فرصت را برای شناخت معماری مدرن ایران باید غنیمت شمرد.

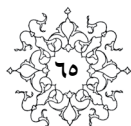
دوم، وقایع معماری سنتی ایران یا وقایعی که عاملان آن استادان معمار سنتی هستند. ما امروز بخت آن را داریم که با واپسین نسل از معماران سنتی ایران هم‌زمان باشیم. ایشان از بسیاری جهات، با معماران پس از خود که معماران دانشگاهی می‌باشند، تفاوت دارند. مثلاً از حیث آموزش معماری، آخرین نسل از معمارانی هستند که در نظام استاد و شاگردی معماری را آموخته‌اند و از این رو، در این نسل می‌توان نشانه‌هایی از علم و عمل استادکاران گذشته معماری ایران جست؛ چه ایشان از بسیاری جهات همانند آن‌ها هستند.

## ۲. وقایع قدیم معماری

بخشی از وقایع معماری مربوط به پیش از دوران معاصر است. این وقایع، که آن‌ها را وقایع قدیم معماری نامیده‌ایم، در گذشته دور به‌انجام رسیده‌اند و ما امروز فقط از طریق آثار باقیمانده با آن‌ها مواجهیم. خود این وقایع نمی‌تواند موضوع تاریخ شفاهی معماری باشد، چه شاهدان و عاملان آن دیگر زنده نیستند و نمی‌توان این وقایع را در اقوال شفاهی جست؛ اما آثار و نشانه‌های وقایع قدیم معماری - نه خود وقایع- را نیز می‌توان در اقوال شفاهی جست و به‌طور غیرمستقیم، از واقعه معماری آن نشان گرفت.

برخی از تحولات بنیادینی که در زندگی ایرانیان رخ داده مربوط به یک سده اخیر است و امروز دو نسل در کنار هم زندگی می‌کنند که یکی اوضاع و احوال پیش از این تحولات را به چشم خود دیده است و دیگری از هیچ‌یک خبر ندارد. در این دوران گذار و به سبب همین تحولات، بسیاری از نشانه‌های وقایع قدیم معماری، که از روزگار دور باقی مانده بود، از دست‌رفته یا رو به نابودی است. پس ما با شاهدانی زندگی می‌کنیم که نه خود وقایع قدیم معماری، بلکه نشانه‌های باقیمانده از آن وقایع و تغییر و تخریب و ازدست‌رفتن آن را دیده‌اند. از این رو، تاریخ شفاهی می‌تواند راهی باشد برای بازیابی آثار باقیمانده از وقایع قدیم معماری که غیرمستقیم ما را به اصل آن وقایع رهنمون می‌کند. برشمردن همه این نشانه‌ها و امکانات گسترده تاریخ شفاهی در مطالعه این بخش از تاریخ معماری در این مجال ممکن نیست. چه شاخه تاریخ معماری و موضوعات و پرسش‌های آن بسیار گسترده است. در اینجا برآنیم تا با اشاره به برخی از این موارد، امکانات محتمل تاریخ شفاهی را در مطالعه وقایع قدیم معماری ایران روشن سازیم:

- برخی از آثار گذشته تا چندی پیش باقی بودند و ما نسلی را می‌شناسیم که بسیاری از آن ابنیه متروک و مخروب و دگرگون شده را برپا دیده‌اند و چه بسا در آن زیسته‌اند. پس امروز کسانی



هستند که شاهد ویران شدن بخشی از آثار معماری قدیم و برپا شدن بنایی جدید بر جای آن یا تجدید عمارت آن بوده‌اند. این وقایع را نیز از وجهی می‌توان وقایع معماری نامید. به دیگر سخن می‌توان اینها را «وقایع معاصر ابنیه قدیم» نامید. شاهدان این وقایع می‌توانند از آثار واقعه‌ای قدیمی خبر دهند که امروز اثری از آن نیست یا تغییر بسیار کرده است.<sup>۱</sup>

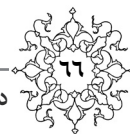
- اگر بپذیریم که مقصود اصلی از واقعه معماری ساختن یا آباد کردن جایی برای زیستن مردمان بوده است، پس زیستن مردمان در آنجا، روشنگر وجهی از وجوه واقعه است. در سال‌های اخیر، بسیاری از ابنیه قدیمی تغییر کاربری داده‌اند و زندگی امروز آن‌ها با آنچه در اصل بوده متفاوت است؛ یا کسانی غیر از ساکنان اصلی و به شیوه‌ای دیگر در آن زندگی می‌کنند. امروز با کسانی به سر می‌بریم که در این ابنیه و به شیوه قدیم زیسته‌اند. کسانی که در خانه‌های قدیمی زیسته‌اند، در مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیم تحصیل کرده‌اند و از آنچه در بازارها، کاروانسراها، حمام‌ها و دیگر ابنیه پیش از ترک یا تغییر کاربری‌شان می‌گذشت، بسیار می‌دانند. پس در اقوال ایشان می‌توان نشانه‌هایی از واقعه معماری نخستین آن‌ها جست.

- نام ابنیه و امکان نشانه‌ای است از وقایع معماری. نام‌ها نیز از جمله نشانه‌های در معرض فراموشی است. نام مکان‌ها گاه برگرفته از نام حامیان و بانیان آن است و گاه نشانگر رویدادهای مهمی که در آنجا رخ داده. برخی نام‌ها نیز یادآور مکان‌هایی است که دیگر اثری از آن نیست. پس هنوز برخی از نشانه‌های وقایع گذشته معماری را می‌توان از زبان مردمی که با آثار آن وقایع رودررویند، شنید. واژگانی که ایشان در توصیف ابنیه و اجزا و شیوه زندگی در آن به کار می‌برند، می‌تواند بخشی از واقعه و محصول آن را چنان که بوده است بر ما آشکار کند.

- واقعه معماری متأثر از زمینه‌ای<sup>۲</sup> است که در آن روی داده. پس شناخت زمینه نیز روشنگر وجهی از واقعه معماری است. اگرچه ممکن است برخی از ژرف‌ترین لایه‌های زمینه واقعه تا امروز باقیمانده باشد؛ مراتبی از آن در معرض تغییر بوده است. برخی از این تغییرات طی یک سده اخیر اتفاق افتاده است و هستند کسانی که اوضاع و احوال پیش از آن را دیده‌اند. پس در اقوال ایشان می‌توان نشانه‌هایی از اوضاع و احوال مکان و زمان واقعه را نیز جست. مثلاً بسیاری از بازارهای شهری، پس از خیابان‌کشی‌های دوران پهلوی و ساخت مراکز فروش مدرن از رونق افتاد. امروز هستند کسانی که بازار را پیش از این تغییر احوال و در دوران رونق آن دیده‌اند؛ یا تغییراتی را که در احوال جامعه رخ داد و به تبع آن خانه‌ها، حمام‌ها، کاروانسراها و زندگی درون آن‌ها دگرگون شد می‌شناسند.

۱. نمونه‌ای از این دست پژوهش‌ها طرح تاریخ‌شاهی «ابنیه متبرکه» حرم امام رضا علیه‌السلام است. نک: بخش «تاریخ‌شاهی» در وبگاه سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

2. Context



## فایده تاریخ شفاهی معماری

تاریخ بر دو پایه اصلی شاهد و تفسیر استوار است.<sup>۱</sup> این دو پایه شکل‌گیری دو رویکرد اصلی تاریخ شفاهی نیز شده‌اند: تاریخ شفاهی با ضبط شواهد شفاهی، که گونه‌ای از شواهد تاریخی است، همراه است. در میان مورخان شفاهی، برخی بر کشف و گردآوری این شواهد تاریخی تأکید دارند و در پی یافتن اصل واقعه هستند چنان‌که در عالم عین و بیرون واقع شده است. برخی دیگر در پی کشف و گردآوری تفاسیر جدید هستند، یعنی در پی واقعه هستند چنان‌که در عالم ذهن و درون شاهدان آن واقع شده است. این دو رویکرد و فواید مترتب بر آن در تاریخ شفاهی معماری ایران نیز مصداق دارد؛ یعنی در تاریخ شفاهی معماری نیز بسته به اینکه مقصود کار کدام است، از حیث نظری رو به یکی از این دو سو خواهیم داشت.<sup>۲</sup> البته این دو رویکرد نه دو امر کاملاً مستقل، بلکه دو سر طیفی است که اصحاب تاریخ شفاهی و آثار ایشان هر کدام در جایی میانه آن می‌باشند و رو به یکی از این دو سو دارند. در ادامه به این دو رویکرد و فواید هر کدام در تاریخ شفاهی معماری ایران می‌پردازیم:

### ۱. یافتن اطلاعات تاریخی جدید

برخی فایده تاریخ شفاهی را یافتن اطلاعات تاریخی می‌دانند؛ به‌ویژه آن دسته از اطلاعات تاریخی که اغلب در تاریخ مغفول مانده است. در نظر ایشان، فایده اصلی تاریخ شفاهی ضبط و ثبت این اطلاعات به مثابه اسناد تاریخی است.<sup>۳</sup> در این رویکرد، تاریخ شفاهی پژوهشی است درباره رویدادهای گذشته که در آن اطلاعات تاریخی، که به‌صورت شفاهی نزد شاهدان رویدادهای گذشته باقی است، کشف و در قالب گونه‌ای از اسناد تاریخی، که می‌توان آن را اسناد شفاهی<sup>۴</sup> نامید، ضبط و توسط خود مورخی که شواهد را گرد آورده است و مورخان بعدی تفسیر می‌شود.<sup>۵</sup> به زعم طرفداران این رویکرد، هرکاری را که مبتنی بر اصول نظری و عملی تاریخ شفاهی باشد و به تولید «اسناد شفاهی» و تدوین تاریخ برپایه آن بیانجامد، می‌توان «تاریخ شفاهی» نامید. اگر در پژوهشی یک یا بخشی از این اصول نظری و عملی نباشد، یا در هر بخش، آنچه منظور بوده حاصل نشود - مثلاً اطلاعات گردآوری شده به تولید سند شفاهی یا اسناد تولید شده به تدوین تاریخ بیانجامد - باید در اطلاق عنوان «تاریخ شفاهی» به پژوهش تردید کرد. لازم به ذکر است برخی برداشت‌های معمول در ایران که تاریخ شفاهی را به شاهد و سند شفاهی یا روشی برای گردآوری شواهد تاریخی تنزل داده‌اند، عمدتاً محصول ترجمه غلط منابع لاتینی و نیازمند تأمل دوباره است.

برخی از اصحاب تاریخ شفاهی به این رویکرد انتقاداتی دارند. انتقاد اصلی ایشان متوجه نادیده گرفتن نقش و تأثیر مورخ مصاحبه‌گر در پیدایش سند است. محصول مصاحبه تاریخ شفاهی

۱. استنفورد، همان، ص ۱۱۵.

۲. این رویکردهای نظری سبب تفاوت و اختلاف در شیوه‌های عملی تاریخ شفاهی به ویژه در مصاحبه و تدوین روایت تاریخ شفاهی نیز شده است که بحث از آن، مستلزم مجالی دیگر است. (نک: هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۹۴-۱۰۰ و ۱۵۹-۱۶۳).

3. Frisch, Michael, (2003).

“Oral History and Hard Times”, in Robert Perks (eds.), *The Oral History Reader*. London: Routledge. pp. 29-37, P:32, 33.

4. “oral evidence” or “oral document”

5. Grele, Ronald j, (2003).

“Movement without aim: Methodological and Theoretical Problems in Oral History” in Robert Perks (eds.), *The Oral History Reader*. London: Routledge. pp. 37-52, P:42.





را نمی‌توان در زمره دیگر شواهد و ماده خام تاریخی پنداشت. به‌طور معمول، در پژوهش تاریخی با اسنادی از پیش‌آماده مواجهیم و مورخ فقط این اسناد را می‌یابد و اعتبار آن‌ها را می‌سنجد و تفسیر می‌کند. اما در کار تاریخ‌شفاهی، مورخ خود در جایگاه پیدایش سند حضور دارد و حتی اگر این حضور کم‌اثر باشد، صورت و محتوای سند متأثر از خواست و اراده اوست. این گزینش و تفسیر نخستین محصول مصاحبه تاریخ‌شفاهی را از دیگر اسناد تاریخی متمایز می‌کند و می‌توان گفت اسناد شفاهی از این حیث یگانه‌اند.<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین فواید تاریخ‌شفاهی معماری نیز یافتن اطلاعات از وقایع معماری گذشته است. اما پیش از پرداختن به این فایده، باید پرسید تاریخ‌شفاهی و به تبع آن تاریخ‌شفاهی معماری ایران متوجه کدام بخش از اطلاعات تاریخی است و اهمیت گردآوری و ثبت و ضبط این اطلاعات چیست؟

### ۱.۱. شناخت وجوه گوناگون وقایع

موضوع تاریخ‌شفاهی وقایعی است که شاهدان آن زنده‌اند. یکی از فواید پرداختن تاریخ‌شفاهی به این وقایع، امکان شناخت چندجانبه و جامع آنهاست. مورخان در پژوهش‌های تاریخی، به شواهد بالفعل موجود محدودند اما در پژوهش تاریخ‌شفاهی، مورخ می‌تواند از این محدودیت فراتر رود و شواهد تاریخی جدیدی تمهید کند. محقق تاریخ‌شفاهی برپایه پرسشی که دارد، نزد کسانی می‌رود که از واقعه خبر دارند و شواهدی جدید پدید می‌آورد. پس تاریخ‌شفاهی می‌تواند از این نوع محدودیت معمول مطالعات تاریخی بگذرد و امکان پرداختن به رویدادهای گوناگون یا جوانب مختلف یک رویداد را پیدا کند. حتی برخی از صاحب‌نظران، تاریخ‌شفاهی را تنها راه مطمئن جهت پرداختن به وجوه گوناگون یک رویداد تاریخی دانسته‌اند. چرا که می‌توان تمام وجوه واقعه را نزد شاهدان آن جست و از هرآنچه مغفول یا مبهم مانده است پرسش کرد.<sup>۲</sup> در گذشته نیز، مورخان بزرگ همواره چنین فرصتی را مغتنم می‌شمردند و یکی از راه‌های معمول ایشان در نگارش تاریخ، رجوع به عاملان و شاهدان وقایع بود. چنان‌که همواره برای نگارش تاریخ هر دوره، مورخ خود در مکان و زمان واقعه حاضر بود یا نقل آن را از زبان دیگر حاضران در رویداد می‌شنید.<sup>۳</sup> از همین رو، برخی منابع شفاهی را مقدم بر منابع مکتوب دانسته‌اند؛ چه بسیاری از تواریخ مکتوب که خود منبع نگارش تواریخ بعدی شده‌اند برپایه منابع شفاهی پدید آمده‌اند.<sup>۴</sup>

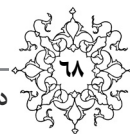
پس یکی از فواید اصلی تاریخ‌شفاهی این است که از محدوده شواهد تاریخی موجود فراتر می‌رود و با ضبط اطلاعات تاریخی در قالب شواهد تاریخی جدید، امکان شناخت وجوه گوناگون وقایع را فراهم می‌کند. پیدایش تاریخ‌شفاهی به معنی امروزی آن نیز در آغاز از سر همین نیاز بود. جنگ جهانی دوم واقعه‌ای بود که در مقیاس حیات بشری اهمیت داشت. آلن نوینز (۱۸۹۰-۱۹۷۱)، آغازگر تاریخ‌شفاهی جدید، پس از پایان جنگ متوجه فرصتی شد که به سرعت رو به

1. Grele, 2003, 42, 43.

2. Thompson, Paul, (2000). The Voice of The Past: Oral History. Oxford University Press, New York, P: 84.

۳. بیهقی، محمدبن حسین. تاریخ بیهقی. به تصحیح علی اکبر فیاض. تهران: هرمس، ۱۳۸۷، ص ۷۷۲؛ ناصر خسرو قبادیانی. سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی مروزی. تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: زوار، ۱۳۸۱، ص ۷۱؛ هیوز وارینگتن، ماری. پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ. ترجمه محمدرضا بدیعی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵-۲۵۳.

4. Portelli, Alessandro, (2003). "What makes oral history different". in Robert Perks (eds.). The Oral History Reader. Routledge, London. P: 68.



نابودی بود. او با بسیاری از دست‌اندرکاران و بازماندگان جنگ هم‌زمان بود، کسانی که اطلاعات ارزشمندی از آن واقعه داشتند و با مرگشان آن اطلاعات نیز نابود می‌شد. بنابراین، در پی راهی برای تدوین تاریخ این دوره در ایالات متحد می‌گشت و در پاسخ به این نیاز تاریخ‌شفاهی جدید شکل گرفت.<sup>۱</sup> تاریخ‌شفاهی از این حیث در تاریخ‌معماری فواید چشمگیری دارد چرا که بخش مهمی از اطلاعات دربارهٔ وقایع معماری گذشته را می‌توان در اقوال شفاهی جست. گاه این اقوال تنها اثر باقیمانده از واقعه است و گاه مکمل دیگر اطلاعات موجود. از این نگاه، تاریخ‌شفاهی معماری مجالی است برای گردآوری بخشی از اطلاعات در معرض نابودی دربارهٔ وقایع معماری گذشته، ضبط آن در قالب شواهد شفاهی، و تفسیر آن. در این گردآوری، چون مورخ خود در پیدایش سند دخیل است، می‌تواند بسته به پرسش خویش وجوه گوناگون واقعه را بجوید و اسناد را بسته به نیاز پژوهش فراهم آورد.

یکی از مهم‌ترین امکانات تاریخ‌شفاهی معماری ایران شناخت وجوه گوناگون معماری معاصر ایران است؛ چه شاهدان و عاملان آن زنده‌اند و امکان آن هست که وقایع معماری این دوره را به تمامی نزد ایشان بجوییم. در تاریخ‌شفاهی می‌توان از اوضاع و احوال مکان و زمان واقعه معماری پرسید و اینکه چرا واقعه در آن مکان و در آن زمان واقع شد. از اینکه آثار واقعه چند و چون بود و چرا چندان و چنان بود از اینکه حامیان واقعه که بودند و تأثیر ایشان در واقعه و مقصود ایشان چه بود. همچنین می‌توان مستقیماً از نحوهٔ وقوع واقعه، یعنی علم و عمل معمار و دیگر عاملان واقعه پرسید. این از معدود راه‌هایی است که می‌توان مستقیماً با علوم و فنون معمار و تمام وجوه عمل او و دیگر عاملان واقعه معماری مواجه شد. اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون با عنوان «تاریخ‌شفاهی معماری» پدید آمده نیز چنین انگیزه‌ای داشته است.<sup>۲</sup> چنین فرصتی در تاریخ‌معماری بسیار مغتنم است و دیر نیست که این وقایع نیز در زمرهٔ دیگر وقایع معماری درآیند؛ یعنی وقایعی که در شناخت آن‌ها باید به معدود شواهد باقی بسنده کرد.

## ۲.۱. شناخت وقایع مغفول

در سدهٔ نوزدهم، تحولی بزرگ در موضوعات تاریخی روی داد. پیش از این، روایات مورخان معمولاً محدود به طبقات حاکم جامعه، عموماً نخبگان سیاسی و دینی، و وقایع مربوط به ایشان بود. در سدهٔ نوزدهم، برخی از مورخان از این محدوده فراتر رفتند و متوجه مردم عادی شدند. این توجه امروز به آنجا رسیده است که تقریباً تمام طبقات جامعه و افعال انسانی، موضوع تاریخ شده‌اند. اما هنوز هم موضوع و محتوای بسیاری از روایات تاریخی، بخش کوچکی از وقایع است که از آن طبقات حاکم است و بخش بزرگی از وقایع کمتر مورد توجه است و به مثابه وقایع تاریخی ضبط و ثبت می‌شود.<sup>۳</sup> اسباب مغفول ماندن این دست وقایع در تاریخ از گذشته تاکنون چند است:

1. Lance, David, (1980). "Oral History Archives: Perceptions and Practices", in Oral History, vol. 8, no. 2, p: 59.

۲. برای نمونه نک:

Peter, 1994. See also: the collection of "Interviews on Architecture and Landscape Architects of the San Francisco Bay Area", in ROHO website. And "The Chicago Architects Oral History Project", in The Art Institute of Chicago's website. and "Modern Talk: Northwest Mid-Century Architects Oral History Project", in the website of National Trust for Historic Preservation.

۳. استفورد، همان، ص ۱۷.



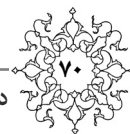
گاه برخی وقایع مجال مکتوب‌شدن نیافته‌اند و به‌همین دلیل، جستجوی آن وقایع در شواهد کتبی باقیمانده، بی‌نتیجه است چرا که در مکان و زمان واقعه لزوم یا امکان مکتوب‌شدن آن نبوده است. مکتوب‌شدن یا نشدن یک واقعه یا باقی‌ماندن اسناد کتبی یا غیرکتبی از آن، متأثر از نوع روابطی است که در مکان و زمان وقوع واقعه حاکم است. در برخی موارد، روابط در جامعه عموماً به‌صورت شفاهی است و روابط کتبی بسیار نادر. پس آنچه از آن مکان و زمان به دست مورخ می‌رسد نیز بیشتر از جنس شفاهی است تا کتبی و بالعکس.

براین اساس، در برخی دوره‌ها روابط شفاهی رایج‌تر از روابط کتبی بوده است. چنان که در گذشته دور، روابط شفاهی رواج بیشتری داشت. در پی تحولات بنیادین پس از انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی در اروپا، خواندن و نوشتن همگانی شد و صنعت چاپ نیز گسترش یافت. با گسترش مکتوبات، اسناد و شواهدی که مورخان به آن رجوع می‌کردند نیز بیشتر مکتوب شد، تا آنجا که از قرن نوزدهم، مکتوبات در حوزه تاریخ اصل شد و شفاهیات در مرتبه‌ای فروتر قرار گرفت. در دو سده اخیر، وسایل ارتباط جمعی شنیداری-دیداری، مانند رادیو و تلویزیون و تلفن که گونه‌ای رسانه شفاهی هستند، جای ارتباطات کتبی و همچنین ارتباطات رودروری دیداری-گفتاری را گرفته است. پیداست مورخی که در پی تدوین تاریخ امروز جهان باشد، ناگزیر از توجه به این روابط جدید و جستجوی شواهدی از این دست است. پس بسته به مکان و زمان، هربار یکی از گونه‌های شفاهی یا کتبی در روابط میان مردم و به تبع آن، شواهد در دست مورخ تفوق داشته است.<sup>۱</sup> همچنین در برخی جوامع، روابط بیشتر به‌صورت شفاهی است و مکتوبات نادر؛ چرا که نوشتن در این جوامع همگانی نبوده یا نیست. بسیاری از جوامع غیرمتمدن از این دست می‌باشند. در چنین جوامعی، دانسته‌های تاریخی کمتر مجال مکتوب‌شدن یافته و بیشتر دانسته‌های امروز مورخان از گذشته این جوامع از طریق اقوال شفاهی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به امروز رسیده است. مثلاً تا سال ۱۹۵۰ میلادی منابع شفاهی تنها منابع موجود برای پژوهش در تاریخ آفریقا بود و آغاز مکتوب‌شدن تاریخ آفریقا از این زمان بود.<sup>۲</sup> بنابراین، در تواریخی که به اسناد غیرشفاهی بسنده کرده‌اند، کمتر می‌توان نشانی از چنین امکان و ازمنه‌ای جست. مراد از این بحث برتر شمردن گونه‌ای از شواهد بر گونه‌ای دیگر نیست، بلکه بیان تأثیر شیوه روابط انسانی بر تشکیل اسناد تاریخی است و تذکر اینکه بسنده کردن به گونه‌ای از این شواهد سبب فراموشی بخشی دیگر از وقایع گذشته می‌شود. تاریخ‌شفاهی نیز در پی جبران این کاستی و توجه به وقایع مغفول است.

در مورد وقایع معماری گذشته نیز چنین است: از یک سو، اسناد و متونی که مستقیماً مربوط به معماری باشد نادر است و از دیگر سو، بسیاری از آن‌ها فقط از اوضاع و احوال وقایع و آثار معماری طبقات حاکم می‌گویند و کمتر از شیوه‌های معماری و ابنیه مردم عادی جامعه در آن‌ها نشانی

1. Thompson, 2000, 127- 128.

2. Thompson, 2000, 96- 97.



هست. همچنین، این شواهد کتبی معمولاً منحصر به جوامع شهری به ویژه شهرهای بزرگ است و کمتر اثری از معماری جوامع روستایی یا شهرها و آبادی‌های کوچک در منابع مکتوب باقیمانده است. به‌رغم امکانات چشمگیری که تاریخ شفاهی برای شناخت این بخش از وقایع مغفول معماری پدید آورده است، تاریخ معماری تاکنون کمتر از این امکان بهره برده است و چنین توجهاتی را بیشتر در میان پژوهشگران تاریخ محلی و تاریخ شهر می‌توان جست.<sup>۱</sup>

افزون بر این، گاه برخی وقایع از نگاه مورخان اهمیت کمتری داشته و به‌همین دلیل، مغفول مانده و به مثابه وقایع تاریخی ضبط نشده است؛ مانند وقایع روزمره زندگی مردم عادی جامعه یا وقایع زندگی زنان یا طبقات کم‌درآمد. بخشی از وقایع را نیز عمداً در تاریخ نادیده گرفته‌اند از جمله وقایع مربوط به اقلیت‌های دینی و قومی که در تاریخ رسمی مکتوم مانده است.

بسیاری بر این باورند که یکی از برتری‌های تاریخ شفاهی بر دیگر شاخه‌های تاریخی امکان پرداختن به همین بخش از وقایع «مغفول در تاریخ»<sup>۲</sup> است؛ وقایعی که به ندرت در گزارش‌های رسمی آمده است و فقط در گزارش‌های مردم‌شناسی یا گزارش‌های شخصی مثل خاطرات و زندگی‌نامه‌ها یا داستان‌های تاریخی می‌توان از آن نشان گرفت.<sup>۳</sup> تاریخ شفاهی را از این حیث، محصول تغییرات شرایط جامعه پس از انقلاب کبیر فرانسه و از «دموکرات‌ترین راه‌های تاریخ نگاری» می‌دانند.<sup>۴</sup>

نخستین ظهور تاریخ شفاهی پیش از آغاز رسمی آن نیز با چنین انگیزه‌ای بود: جو گولد<sup>۵</sup> نویسنده و مورخ آمریکایی، که در سال ۱۹۱۷ برای نخستین بار از لفظ «تاریخ شفاهی» در نام‌گذاری کتاب خود به نام تاریخ شفاهی دوران ما<sup>۶</sup> استفاده کرد، مهم‌ترین انگیزه خود را در کار تاریخ شفاهی پرداختن به جریان عادی زندگی روزمره عامه مردم می‌دانست.<sup>۷</sup> اما در سال‌های بعد، رویکرد تاریخ شفاهی تغییر کرد و توجه اصلی تاریخ شفاهی معطوف به چهره‌های سرشناس شد. آن نوینز بنیان‌گذار تاریخ شفاهی جدید، در پی یافتن «تأثیر امریکایی‌های سرشناسی بود که در زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن دوره نقش داشتند»<sup>۸</sup>. بنابراین کار تاریخ شفاهی جدید، با نگرش تاریخ جنگ جهانی دوم، از طریق ضبط خاطرات «نخبگان» سیاسی و نظامی آغاز شد و توجه به مردم عادی به حاشیه رفت. این رویکرد دیرزمانی در تاریخ شفاهی غالب بود.<sup>۹</sup>

امروز بسیاری تاریخ شفاهی را «تاریخ از پایین»<sup>۱۰</sup> (همانجا) و فایده اصلی آن را پرداختن به تجربیات مردمی می‌دانند که در تاریخ مغفول مانده‌اند؛ وقایعی که بیشتر مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی بوده و کمتر در اسناد رسمی از آن‌ها یاد شده است.<sup>۱۱</sup> البته نمی‌توان پرداختن به این بخش از وقایع تاریخی را وجه تمایز تاریخ شفاهی برشمرد. چراکه هم تواریخ مکتوبی داریم که درباره چنین وقایعی است و هم تاریخ‌های شفاهی که درباره وقایع مشهور و شناخته شده تاریخی است. پس بحث نه از وجه تمایز، بلکه از امکانی است که دست‌یافتن به آن در تاریخ شفاهی ممکن تر است، هرچند در دیگر انواع تاریخ نیز هست.<sup>۱۲</sup>

۱. نمونه‌ای از این دست کوشش‌ها در حوزه تاریخ محلی، «تاریخ شفاهی بیرجند» و «تاریخ شفاهی گناباد»، و «تاریخ شفاهی خواف» است. برای آگاهی بیشتر نک: بخش «تاریخ شفاهی» در وبگاه سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

2. hidden from history.

3. Perks and Thomson, 2003, ix

4. Lance, 1980, 60.

5. Joe Gould (1889-1957).

6. An Oral History of Our Time

7. Morrissey, Charles T, (1980).

“Why Call It “Oral history” Searching for Early Usage of a Generic Term”. in The Oral History Review, vol. 8, pp. 20-48, p: 24.

8. Ibid, 27.

9. Frisch, 2003, 32.

10. “bottom up history”, or “history from below”

11. Perks, Robert and Alistair Thomson (eds), (2003). The Oral History Reader. Routledge, London, p: ix.

12. Portelli, 2003, 64- 65.



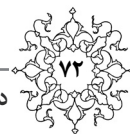
تاریخ شفاهی دستاوردهای درخشانی در تدوین تاریخ این طبقات همچون طبقات کم‌درآمد و زنان و اقلیت‌های قومی و دینی داشته است؛ دستاوردهایی که به دشواری می‌توان نظیر آن را در دیگر شاخه‌های تاریخ جست. <sup>۱</sup> امروز نیز بسیاری از نهادهای تاریخ شفاهی، بیش از هر چیز متوجه این وقایع مغفول تاریخی می‌باشند. اما بسیاری از نهادهای تاریخ شفاهی در ایران هنوز به ثبت و ضبط وقایع مربوط به فرادستان جامعه اقبال دارند از آن جمله است طرح تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد و مؤسسه مطالعات معاصر ایران. از میان مؤسسه‌های تاریخ شفاهی فعال در ایران، آستان قدس رضوی از معدود مؤسسه‌هایی است که به عامه مردم در تدوین تاریخ توجه جدی دارد. بخشی از وقایع معماری نیز همچون بسیاری از دیگر وقایع تاریخی، سهواً یا عمداً در تاریخ مغفول مانده است. مثلاً وقایع معماری مربوط به زنان، اقلیت‌های دینی، یا برخی اقلیت‌های قومی که کمتر ذکری از آن در تواریخ رسمی هست. معدودی از پژوهش‌های تاریخ شفاهی معماری تاکنون متوجه این بخش از وقایع مغفول معماری بوده است. از آن جمله تحقیقاتی که راجع به نقش و تأثیر زنان و اقلیت‌های مهاجر در معماری انجام شده است. <sup>۲</sup> پژوهشگران تاریخ شهر نیز متوجه این دست وقایع و امکانات منابع شفاهی برای شناخت آن‌ها بوده‌اند و تحقیقات متعددی به‌ویژه درباره حضور اقلیت‌های قومی در شهرها انجام گرفته است. <sup>۳</sup> اما چنین توجهاتی در تاریخ شفاهی معماری ایران هنوز چندان معمول نیست.

## ۲. یافتن تفسیرهای تاریخی نو

برخی از اصحاب تاریخ شفاهی معتقدند که فایده اصلی تاریخ شفاهی یافتن گونه‌ای جدید از تفاسیر تاریخی است. در این رویکرد، تاریخ شفاهی راهی است برای گردآوری و ضبط روایت شفاهی شاهدان و عاملان رویدادهای گذشته به مثابه گونه‌ای «روایت تاریخی». <sup>۴</sup> در این رویکرد، شاهد و تفسیر جدا از هم نیست؛ زیرا آنچه راوی از گذشته می‌گوید، صرف واقع آن چنان که در عالم بیرون روی داده نیست، بلکه آمیزه‌ای است از خیال او و واقعیت بیرونی. <sup>۵</sup> از این نگاه، چنین پیوندی نه فقط ضعف تاریخ شفاهی نیست، بلکه فایده مهم آن است. پس ادعای دست‌یافتن به صرف شواهد تاریخی نه تنها محال بلکه از ماهیت تاریخ شفاهی به دور و از ارزشمندترین فایده آن غافل است. <sup>۶</sup>

در گذشته، توجه مورخان معطوف به کردار مردم بود. در سده‌های اخیر یکی از تغییرات عمده در توجهات مورخان، اهمیت یافتن اندیشه مردم در مطالعات تاریخی است. این رویکرد جدید که ظهورات آن را به صورت تاریخ اندیشه یا تاریخ ذهنیت می‌بینیم، در پی تحقق تاریخ اندیشه انسانی است. <sup>۷</sup> جستجوی تفاسیر تاریخی در تاریخ شفاهی، دو فایده دارد: نخست شناخت علت وقایع گذشته و به تعبیری گذر از ظاهر وقایع برای دست‌یافتن به باطن آن و دیگری شناخت و تفسیر وقایع گذشته از منظر سازندگان آن و دست‌یافتن به روایتی اصیل‌تر در تاریخ.

1. Thompson, 2000, 84.
2. Friedman, Alice T. (2007). *Women and the making of the modern house: a social and architectural history*. New Haven: Yale University Press; Loeb, Adina, (2006). "Excavation And Reconstruction, An Oral Archaeology of the DeLemos Home". in Miller Lane, Barbara (ed.). *Housing And Dwelling: Perspectives on Modern Domestic Architecture*. Taylor & Francis e-Library. pp. 94-102.
3. Benmayor, Rina, (2010). "Contested Memories of Place: Representations of Salinas' Chinatown". in *The Oral History Review*. vol. 37. no. 2. pp. 225-234; Patrick, Mary. (1973). "Indian Urbanization in Dallas: A Second Trail of Tears?". in *The Oral History Review*, vol. 1, pp. 48-65.
4. historical narrative
5. Portelli, 2003, 66.
6. Frisch, 2003, 32.
۷. استنفورد، همان، ۱۷ و ۱۸.



## ۱.۲. شناخت علت وقایع گذشته

توجه به اندیشه پس رویدادهای گذشته منحصر به شاخه‌ای خاص از تاریخ، مثلاً تاریخ ذهنیت، نیست؛ بلکه از ملزومات هر تحقیق تاریخی است. موضوع تاریخ «افعال انسانی» است. فعل انسان با فکر همراه است و به همین دلیل، بسیاری از دانشوران معرفت تاریخی را منحصر به امور انسانی دانسته‌اند و نه امور طبیعی. چراکه امور طبیعی حادثه هستند، نه فعل. اما افعال انسانی حادثه نیستند؛ افعال انسانی بیرونی دارند و درونی. مورخ می‌کوشد از بیرون این افعال به اندیشه درونشان راه یابد. چنان‌که به گفته کالینگوود «آنچه مورخ می‌جوید این فرایندهای اندیشه است».<sup>۱</sup>

یافتن اندیشه در محدود نشانه‌های باقیمانده از وقایع گذشته، از دشوارترین کارهای مورخان است. چه در این نشانه‌ها، اندیشه به سادگی نمایان نمی‌شود. پس مورخان از یک سو باید به اندیشه‌ای که نیمه‌روشن نمایان شده، نظر داشته باشند و از دیگر سو خود برپایه این نشانه‌ها، آن اندیشه را بجویند و بیابند.<sup>۲</sup>

بسیاری از دانشوران فایده اصلی تاریخ شفاهی را یافتن افکار در پس افعال می‌دانند. آنچه تاریخ شفاهی را از دیگر شاخه‌های تاریخی متمایز می‌کند و از همه ارزشمندتر است، امکان دست‌یافتن به ذهنیت راوی است و هیچ راه دیگری چنین امکان بالقوه‌ای ندارد.<sup>۳</sup> در تاریخ شفاهی، نه تنها می‌توانیم در پی این باشیم که مردم در گذشته چه می‌کردند؛ بلکه می‌توانیم دریابیم که چه می‌خواستند بکنند یا گمان می‌کردند که چه می‌کنند. تعامل میان راوی و مورخ مجال است برای اینکه مورخ به جای آنکه خود بر پایه شواهد، چرایی یا علل وقایع را بجوید، راوی را ترغیب کند که از آن علل بگوید. چه او که از رویدادهای گذشته می‌گوید، ناگزیر آن را تبیین نیز می‌کند. مثلاً اگر واقعه ساختن یا تجدید عمارت مکانی، یا ویرانی بنایی و ساختن بنای جدید بر جای آن را در قالب روایتی بازگو می‌کند، از علل آن نیز می‌گوید. مورخ شفاهی از تبیین راوی استقبال می‌کند و مجال تحقق آن را در حین مصاحبه فراهم می‌کند و از این طریق، به اندیشه در پس افعال نزدیک می‌شود.

امروز در بسیاری از برنامه‌های تاریخ شفاهی این فرایند بازخوانی و بازگویی گذشته را اصل و شناخت خود وقایع را، چنانکه وقوع یافته است، فرع بر آن می‌دانند.<sup>۴</sup> زیرا با چنین رویکردی است که می‌توان فهم و درک تاریخی را غنا بخشید و به مرتبه‌ای ژرف‌تر از آنچه مورخان همواره جسته‌اند، دست یافت. این امکانی است که دست یافتن به آن در منابع مکتوب دشوار و گاه محال است.<sup>۵</sup> یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تاریخ شفاهی معماری نیز دست یافتن به اندیشه پنهان در وقایع معماری معاصر از طریق مصاحبه با معماران و دیگر بانیان آن بوده است. نمونه‌های متعددی از این پژوهش‌ها در برنامه‌های داخلی و خارجی با عنوان «تاریخ شفاهی معماری» یا «تاریخ شفاهی معماران» موجود است.<sup>۶</sup>

۱. کالینگوود، رابین جرج. مفهوم کلی تاریخ. ترجمه علی‌اکبر مهدیان. تهران: اختران، ۱۳۸۵، ص ۲۷۲ و ۲۷۳.  
۲. استنفورد، همان، ۱۷ و ۱۸.

3. Portelli, 2003, 67.

4. Thompson, 2000, 82, 83.

5. Grele, 2003, 48.

۶. هاشمی، سیده میترا، مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهی معماری ایران، تهران، روزنه، ۱۳۹۳، ص ۷۸-۸۱.



## ۲.۲. شناخت وقایع گذشته از منظر سازندگان آن

در مطالعات تاریخی، معمولاً مورخ از دور به وقایع گذشته و سازندگان آن، کیستی ایشان، و زندگی و کردار و پندارشان می‌نگرد. این فاصله، به واسطهٔ حمل دیدگاه بیگانه و امروزی به وقایع گذشته، اغلب سبب درک و تفسیر غلط وقایع گذشته می‌شود. به همین سبب، برخی روایت تاریخی را به طعنه، «داستان عالمانه»<sup>۱</sup> مورخ دانسته‌اند و نقد کرده‌اند.

در تاریخ‌شفاهی می‌توان این فاصله را کاست و از دید عاملان و شاهدان، در وقایع گذشته نظر کرد. در تاریخ‌شفاهی، آن‌ها که گذشته را ساختند یا از نزدیک شاهد ساختن آن بودند مجال می‌یابند که خود از افعال و افکارشان بگویند. ایشان آن بخش از افعال را که بنیادی‌تر می‌پندارند برمی‌گزینند و ارتباطی میان آن‌ها می‌یابند تا برپایهٔ آن روایتی بسازند؛ روایتی آغشته به تفسیر. ما نیز با وقایع در قالب همین روایات مواجه می‌شویم. پس در این رویکرد، تفسیر و به تبع آن روایت تاریخی از آن مورخ نیست. روایت تاریخی در تعامل مورخ و آنکه راوی گذشته است حاصل می‌شود. راوی صرفاً منبعی سرشار از اطلاعات تاریخی نیست؛ بلکه او را نیز می‌توان مورخی دانست که وقایع گذشته را گزینش و تفسیر می‌کند و برپایهٔ آن روایتی تاریخی می‌سازد.<sup>۲</sup> پس تاریخ‌شفاهی دستاوردی درخشان‌تر از یافتن اطلاعات تاریخی دارد و می‌تواند به روایتی تاریخی دست یابد که نه تنها غنی است، بلکه سرشار از زندگی و اصیل است.<sup>۳</sup> از سوی دیگر، آنچه همواره در تاریخ آمده روایت حاکمان و فاتحان بوده است. تاریخ را فاتحان و حاکمان نوشته‌اند؛ اما در وقایع گذشته، از یک سو حاکمان دخیل بودند و از دیگر سو، هر واقعه در زندگی مردم عادی نیز آثاری داشته که کمتر در تاریخ مورد توجه قرار گرفته است. تاریخ‌شفاهی مجال است برای یافتن دیدگاه‌ها و تجارب آن‌ها که در تاریخ مغفول مانده‌اند.<sup>۴</sup> بنابراین در تاریخ‌شفاهی، نه تنها می‌توانیم درپی یافتن این باشیم که مردم در گذشته چه کردند و چرا چنان کردند، بلکه می‌توانیم دریابیم که تصور آن‌ها از کاری که می‌کردند چه بود؛ و امروز دربارهٔ کاری که کردند چگونه می‌اندیشند؛ و آن را چگونه در قالب روایتی ترتیب می‌دهند و بازگو می‌کنند. «شیوهٔ سازمان‌دهی روایت نشانه‌ای است روشن برای درک چگونگی ارتباط راوی با گذشته».<sup>۵</sup>

براین اساس، تاریخ‌شفاهی معماری نیز مجال است برای اینکه مورخ از مقام عالمانهٔ خویش پایین بیاید، در کنار همان‌ها که در گذشته زیسته‌اند، بایستد و از دیدگاه ایشان به وقایع معماری گذشته نگاه کند. این رویکرد مانع از تحسین یا تحقیر عجولانهٔ گذشته می‌شود. زیرا اسباب چنین احکام عجولانه‌ای، که تاریخ‌معماری نیز بسیار به آن دچار است، حمل اوضاع کنونی به گذشته است؛ چه ما از پیش چیزهایی در ذهن داریم و با همان و در جستجوی همان، به گذشته می‌نگریم. از دیگر سو، هنگام جستجوی وقایع معماری نباید فقط به آنچه در عالم بیرون روی داده بسنده کرد. چه نمی‌توان معماری را فقط منحصر به عالم عین و بیرون دانست. معماری به تعبیری،

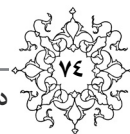
1. scholarly form of fiction

2. Perks and Thomson, 2003, ix.

3. Thomson, 2000, 118.

4. Perks and Thomson, 2003, ix.

5. Perks and Thomson, 2003, ix.



هرگونه تصرف ذهنی در مکان است.<sup>۱</sup> پس بخشی از وقایع معماری عینی نیست، و به تبع آن از دیده مورخ بیگانه پنهان می‌ماند؛ این دست وقایع را تنها باید در عالم ذهن مردم جست. بنابراین، اگر گزینش و تفسیر وقایع گذشته از آن همان‌ها باشد که آن گذشته را ساخته‌اند، به شناختی ژرف‌تر از وقایع گذشته معماری دست خواهیم یافت.

پس تاریخ‌شفاهی و به تبع آن تاریخ‌شفاهی معماری راهی است برای گردآوری روایات تاریخی. این روایات برخلاف آنچه در تاریخ معمول است، از آن مورخ نیست؛ بلکه مورخ در تعامل با شاهدان وقایع گذشته، روایتی تاریخی پدید می‌آورد. در این رویکرد، سازندگان و شاهدان گذشته نیز مجال گزینش و تفسیر و استنتاج می‌یابند و راوی داستان خویش هستند. این رویکرد در تاریخ‌شفاهی و به تبع آن در تاریخ‌معماری بسیار متأخر است. به همین سبب کمتر پژوهشی را در حوزه تاریخ‌شفاهی معماری ایران سراغ داریم که چنین رویکردی اختیار کرده باشند. از معدود نمونه‌های این پژوهش‌ها تاریخ‌شفاهی خیابان پهلوی گرگان است که در پی شناخت واقعه ساخت خیابان پهلوی از منظر مردم شهر است. تناقضات روایت مردم از این واقعه با گزارش‌های رسمی و حکومتی جالب توجه است و روایتی جدید و ناشنیده از اصلاحات شهری دوره پهلوی ارائه می‌دهد.<sup>۲</sup>

## نتیجه‌گیری

گفتیم که موضوع تاریخ‌شفاهی معماری ایران وقایع معاصر معماری است که شاهدان و عاملان آن هنوز زنده‌اند. اما تاریخ‌شفاهی معماری محدود به وقایع معاصر معماری نیست و برای شناخت وقایعی که در گذشته دورتر به پایان رسیده است نیز امکاناتی فراهم می‌کند. وقایع معماری در گذشته به انجام رسیده است اما محصول واقعه که بنا یا آبادی بوده باقیمانده و سرگذشتی بر آن رفته است. بسیاری از این ابنیه و آبادی‌ها به روزگاران ماندند، چنان‌که بودند؛ و بسیاری از تغییرات و مداخلات در آن‌ها مربوط به یک سده اخیر است. پس می‌توان از آنچه در یک سده اخیر بر آن‌ها رفته است، و نشانه‌هایی که هر روز بیشتر و بیشتر گم می‌شوند، به واقعه اصلی راه یافت.

برپایه مقصود تاریخ‌شفاهی، دو رویکرد پدید آمده است. یکی در پی یافتن اطلاعات تاریخی درباره وقایع گذشته است. از این دیدگاه، کارایی تاریخ‌شفاهی در شناخت وجوه گوناگون وقایع گذشته و نیز شناخت وقایع مغفول است. رویکرد دیگر در پی یافتن تفسیر سازندگان وقایع گذشته از آن وقایع است. در این رویکرد، از سویی می‌توان در پی شناخت چرایی وقایع گذشته بود و از سویی دیگر، در پی یافتن تفسیرهایی اصیل‌تر از آن. این دو رویکرد در تاریخ‌شفاهی معماری ایران نیز وارد است و دستاوردهای تاریخ‌شفاهی معماری متأثر از آن. در تاریخ‌شفاهی معماری ایران، اگر در پی یافتن اطلاعات تاریخی باشیم، از یک سو می‌توانیم به شناختی چندجانبه از وقایع معماری معاصر و نیز بازیابی و حفظ نشانه‌های وقایع قدیم معماری دست یابیم، و از سویی دیگر، می‌توانیم

۱. این تعبیر از استاد گرامی، دکتر مهرداد قیومی، است.

۲. کاویان، فائزه. تاریخ‌شفاهی خیابان امام خمینی (پهلوی) گرگان: از زمان احداث تا انقلاب سفید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵.



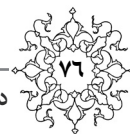


از وقایعی که سهواً یا عمدتاً در تاریخ‌معماری مغفول مانده است خبر گیریم. اما اگر در پی یافتن تفاسیر و روایات تاریخی باشیم، می‌توانیم به وجه ذهنی وقایع گذشته معماری توجه کنیم و در پی کشف چرایی وقایع گذشته و تفسیر آن وقایع از منظر سازندگان باشیم.

دستاورد کار تاریخ‌شفاهی معماری منحصر به مورخی که مصاحبه می‌کند نیست. تاریخ‌شفاهی معماری فرایندی است که از محصولات آن مورخان دیگر نیز بهره می‌برند. اسناد شفاهی، که گونه‌ای از اسناد تاریخی است و یکی از محصولات کار تاریخ‌شفاهی معماری، می‌تواند در کنار دیگر انواع سند در اختیار مورخان قرار گیرد. گاه می‌توان این اسناد را برای تصحیح و تدقیق دیگر شواهد باقیمانده از وقایع گذشته معماری از جمله شواهد کتبی و مادی به کار گرفت؛ چراکه محتوای متنوعی دارند و حتی تا مدتی پس از تهیه شواهد شفاهی، امکان وارسیدن و پرسیدن دوباره از محتوا و اعتبار آن هست. از سوی دیگر، تاریخ‌شفاهی در برخی موارد می‌تواند چارچوب نخستین پژوهش تاریخ‌معماری را فراهم کند و دیگر اسناد می‌توانند در مراحل بعدی، مکمل اسناد شفاهی باشند و در کنار آن به کار آیند.

## منابع

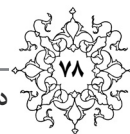
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اخوت، آرش (۱۳۸۷). حیات بازارچه‌ای: گفت‌وگو با محمد مهریار. ماهنامه دانش‌نما. ش، ۱۵۷-۱۵۵. ص ۶۵-۵۹.
- استفورد، مایکل (۱۳۸۲). درآمدی بر فلسفه تاریخ. (احمد گل محمدی، مترجم). تهران: نشر نی.
- بهرامی، فرشته (۱۳۸۹). نظر کرده: آیین‌ها و باورهای امامزاده‌های رودبار الموت غربی. تهران: آموت.
- بیهقی، محمدبن حسین (۱۳۸۷). تاریخ بیهقی. (علی اکبر فیاض، مصحح). تهران: هرمس.
- حاجی خلیفه (۱۴۰۲). کشف‌الظنون عن اسامی الکتب و الفنون. بیروت: دارالفکر.
- حجت، مهدی (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران: سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۸). سخنی در منابع مکتوب تاریخ‌معماری ایران و شیوه جستجو در آنها. در گلستان هنر، ش ۱۵، ص ۵-۲۰.
- کار، ادوارد هلت (۱۳۸۶). تاریخ چیست؟. (حسن کامشاد، مترجم). تهران: خوارزمی.
- کالینگوود، رابین جرج (۱۳۸۵). مفهوم کلی تاریخ. ترجمه علی اکبر مهدیان. تهران: اختران.



- کاویان، فاترزه (۱۳۹۵). تاریخ شفاهی خیابان امام خمینی (پهلوی) گرگان: از زمان احداث تا انقلاب سفید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات معماری ایران، به راهنمایی مهرداد قیومی بیدهندی، به مشاوره سیده میترا هاشمی و حمید رضا پیشوایی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۸۱). سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی مروزی. (محمد دبیرسیاقی، مصحح). تهران: زوار.
- هاشمی، سیده میترا (۱۳۹۰). تاریخ شفاهی معماری ایران: درآمدی بر مباحث نظری و عملی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات معماری ایران. به راهنمایی مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی.
- هاشمی، سیده میترا (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهی معماری ایران. تهران: روزنه.
- هایدگر، مارتین (۱۳۸۶). هستی و زمان. ترجمه سیاوش جمادی. تهران: ققنوس.
- هیوز وارینگتن، مارنی (۱۳۸۶). پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ. (محمد رضا بدیعی، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- Arnold, Dana and Elvan Altan Ergut and Belgin Turan Ozkaya, (2006), Rethinking Architectural Historiography. New York: Routledge.
- Ballantyne, Andrew, (2006), "Architecture as Evidence", in Dana Arnold and Elvan Altan Ergut and Belgin Turan Ozkaya (eds.). Rethinking Architectural Historiography. New York: Routledge, pp. 36-49.
- Benmayor, Rina, (2010). "Contested Memories of Place: Representations of Salinas' Chinatown". in The Oral History Review. vol. 37. no. 2. pp. 225-234.
- Evans, George Ewart, (1972). "Approaches to Interviewing". in Oral History, vol. 1, no. 4, The Interview in Social History: Part 1, pp. 56-71.
- Friedman, Alice T, (2007). Women and the making of the modern house: a social and architectural history. New Haven: Yale University Press.
- Frisch, Michael, (2003). "Oral History and Hard Times", in Robert



- Perks (eds.), *The Oral History Reader*. London: Routledge. pp. 29-37.
- Grele, Ronald j, (2003). "Movement without aim: Methodological and Theoretical Problems in Oral History". in Robert Perks (eds.), *The Oral History Reader*. London: Routledge. pp. 37-52.
  - Lance, David, (1980). "Oral History Archives: Perceptions and Practices", in *Oral History*, vol. 8, no. 2 , pp. 59-63.
  - Leach, Andrew, (2010), *What is Architectural History?*. Cambridge: Polity Press.
  - Loeb, Adina. (2006). "Excavation And Reconstruction, An Oral Archaeology of the DeLemos Home". in Miller Lane, Barbara (ed.). *Housing And Dwelling: Perspectives on Modern Domestic Architecture*. Taylor & Francis e-Library. pp. 94-102.
  - Morrissey, Charles T. (1980). "Why Call It "Oral history" Searching for Early Usage of a Generic Term". in *The Oral History Review*, vol. 8, pp. 20-48.
  - Patrick, Mary. (1973). "Indian Urbanization in Dallas: A Second Trail of Tears?". in *The Oral History Review*, vol. 1, pp. 48-65.
  - Perks, Robert and Alistair Thomson (eds), (2003). *The Oral History Reader*. Routledge, London.
  - Peter, John. (1994). *The Oral History of Modern Architecture: Interviews with the Greatest Architects of the Twentieth Century*. Harry N Abrams, New York.
  - Portelli, Alessandro, (2003). "What makes oral history different". in Robert Perks (eds.). *The Oral History Reader*. Routledge, London. pp. 63-74.
  - Ritchie, Donald A. (2003). *Doing Oral History: A Practical Guide*. Oxford University Press, New York.
  - Thompson, Paul, (2000). *The Voice of The Past: Oral History*. Oxford University Press, New York.



- Vansina, Jan. (1985), Oral Tradition As History. The University of Wisconsin Press, London.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، بخش تاریخ شفاهی :

<http://www.aqlibrary.org/index.php?module=pagesetter&func=viewpub&tid=21&pid=52>

- National Trust for Historic Preservation:  
<http://www.preservationnation.org/resources/case-studies/modernism-recent-past/modern-talk.html>
- ROHO (Regional Oral History Office, The Bancroft and UC Berkeley Library):  
<http://bancroft.berkeley.edu/ROHO/collections/subjectarea/artslit/archland.html>
- The Art Institute of Chicago:  
[http://digital-libraries.saic.edu/cdm4/index\\_caohp.php?CISOROOT=/caohp](http://digital-libraries.saic.edu/cdm4/index_caohp.php?CISOROOT=/caohp)
- University of California Santa Cruz, University Library:  
<http://library.ucsc.edu/reg-hist/oral-history-primer>

